



داکتر و . خاکستر

## سرمه بر سنگ حنا سایرن

### در پرسش از روغ

داکتر " روغ " در "چند حرف شسته " به یکی دومساله اشاره دارد و با ابهامات بسیار ، درست بسان سایرن سرمه بر سنگ حنا . گر چه " جایی که سلطان خیمه زد غوغا نماند عام را " من اما ، نتوانستم شگفتی ام را از آن نوشته پنهان دارم و جای پرسش نمی گذارد که فرهیختگی " روغ " و نیز " ادا " بیشتر از آنست که از من برنجد ، اگرچه چند مورد پرسش زا ، اشاره کنم و به اختصار .

**ادا:** این حزب [واحد آینده ] باید یک ترکیب متجانس ، موزون از آنچه بودیم و آنچه هستیم و آنچه خواهیم بود ، باشد .

**روغ:** این ترکیب متجانس و موزون از " بودیم و هستیم و خواهیم بود " یک مقوله آشنا و شناخته را بخاطر میدهد ، هم در فلسفه ، هم در جامعه شناسی و هم در تیوری سیستم ها ، باین می گویند : کونتینگنس " و یا پیشایند . پیشایند ها گذشته و حال را ، بلحاظ رابطه که میتوانند با آینده برقرار میسازند ، به بررسی میگیرد .

**پرسش :** آن سطر بسیار پر تناقض " ادا " ، چه ربطی میتواند با احتمال [یا کونتینگن] داشته باشد؟ آنهم و قتی واژه " باید " به عنوان یک حکم مطلق ، صادر گشته است . کونتینگن یا احتمال در یک شبکه نظری قابل بحث است و چه ربطی دارد به تیوری سیستم ها یا نظریه شبکه ها ؟ مگر تیوری سیستم ها ، به عبور افقی از بلندای عمودی استنتاجات سیستم ها عبور نمی کند و به

همسو سازی و تعمیم داده های مشاهداتی و آزمونی نمی پردازد ؟ و کونتینگن [احتمال] در تیوری سیستم ها ، میتواند آیا ، بار معنایی بیابد؟ و آن سطر پر تناقض ' ادا " آیا میتواند، حتی یک کوشش استقرایی ساده پنداشته شود ؟ کشانیدن آن سطر آرمانگرایانه و پر از ابهام به ساحت نظریه شبکه ها و خوابانیدن روی جز و روش کونتینگن " آیا میتواند، به یک نتیجه ملموس بیانجامد ؟ بیشاپیش نمودار است که نی. احتمالات یا کونتینگنس در جامعه شناسی ، فلسفه و نیز روانشناسی رشد، به عنوان احتمالات متغیر و یا ثابت مورد بحث قرار میگیرد نه در تیوری سیستم ها که نتیجه گیری آزمونی را تعمیم می دهد. یک نمونه ساده آن تیوری "فید بک " است در روانشناسی، که بعد ها در فیزیالوژی و کیمیای عضوی به عنوان " فید بک منفی " تعمیم یابید، که من در دانشکده طب با آن سر دچار بودیم و نیز داکتر روغ .

**روغ:** یکی اینکه " کونتینژنس " ها یگانه نیستند، بلکه تا بی نهایت گونه گون اند ، پیشابیند، چیز ها را بروی یک نا معلومی میگشاید، و در افق احتمال پذیری هر چه ممکن تر منظور میکند، با نتیجه گیری از همین مفهوم است که گفته شده است " آینده باز است ". پس " کونتینژنس " با مفهوم **وحدت و حزب واحد** " که فهمیم ادا مطرح میکند، تناقض ذاتی دارد، از پیشابیند نمی توان " وحدت ساخت.

**پرسش ها:** نتیجه گیری از کدام مفهوم؟ فرض ایجاد " حزب واحد " و نیز مفهوم آرمانی " وحدت " چرا در تناقض ذاتی با "احتمال [ کونتینگن ] ذاتی باید باشد ؟ مگر احتمال دلالت نمی کند برپیدایی و نا پدیدایی امکان و امکانات؟ مگر روغ در همین سطر بالا نوشته است، احتمالات یگانه نیستند و تا بی نهایت گوناگون اند؟ آیا "روغ" با استقرای ناقص، اتمام حجت نکرده است؟ و آیا احتمال [ کونتینگن] یک مفهوم پیش بینی کننده نیست؟ و چرا آرمانگرایی " ادا " با پدیدایی یک احتمال در تناقض افتد و آنهم تناقض ذاتی ؟ مگر بین تناقض و تناقض ذاتی فرقی نیست؟ که است و بسیار هم است.

**روغ:** به گفته ی فرناند براودل: " واقعیت یک ترکیب است از قابل پیش بینی و غیر قابل پیش بینی " و روغ در ادامه می افزاید: پس کونتینژنس ها را نمیتوان مهار زد.

**پرسش ها:** چه رابطه است بین گفتار بسیار دقیق براودل در باب واقعیت و مفهوم "مهار پذیری احتمال" در حرف روغ ؟ **هیچ** . روغ نا خواسته، رو در روی

براولد قرار میگیرد. ببینید وقتی احتمال وقوع، قابل پیشبینی است، پس مهار پذیر نیز است. مگر براولد درست نگفته است؟ بسیار هم درست گفته است و از همین رو، نیمه ای واقعیت پیش بینی یک حزب واحد و وحدت میتواند، احتمال یابد. و حتی اگر به حرف شخص "روغ" تکیه کنیم، گاهی که حرف براولد را ظاهراً میخواهد تصریح کند: "کونتینژنس ها را نمی توان مهار زد". یعنی احتمال را نمی توان سد کرد، پس امکان احتمال بوجود می آید و نیمه اول پیش بینی ترکیب واقعیت، میتواند تصور گردد. و میپرسم: کونتینگن [یا احتمال] مگر میشود قالب زده شود؟ اگر بنویسم واژه گزینی نا باب، مگر گزافه گفته ام؟ نشنیده اید مگر: **سرمه را بر سنگ حنا نمی ساینند.**

**ابلاغیه گروه کاری برای تدویر کنگره:** پس تلاش ما معطوف به اینست، که مطابق به مدل حزب وطن یک حزب سیاسی بسازیم و چنین یک حزب از این جهت که مطابق مدل حزب وطن دایر میشود، همان یک حزب قبلی است، و از این جهت که اهداف برنامه ای و ساختار اساسنامه ای، و نیز ترکیب جدید دارد، یک حزب جدید است.

**فهم ادا:** همه استراتژی های احیا خواهانه، منتج به سازمانکی بی دور نمای رشد و بی فضای تنفس میشود. خواست هجرت به گذشته بیهوده است.

**پرسش ها:** مگر میشود که مدل [برابر نهاد: دلالت کننده، راهنما، نمونه، سرمشق، طرح و الگو و دوباره سازی] بسان حزب وطن باشد و اما همزمان حزب جدید؟ مگر میشود مدل [دلالت کننده، راهنما، نمونه، سرمشق، طرح، الگو] بسان حزب وطن باشد و اما ساختار اساسنامه ای جدید داشته باشد؟ اینرا چه بگویم، واژه گزینی اشتباهی و یا که خبط استنباطی اجماع از نخبه گان سیاسی؟ و نیز پرسش روغ مبنی بر اینکه "یک حرکت و تداوم مفهومی چرا ایجاد نمی گردد؟" در همین نهفته نیست؟ مدل حزب وطن یک ساختار فیزیکی نبود که بیرون آن برداشته و درون آن به تغییر وادشته شود. حزب وطن به عنوان یک سیستم، در برگرفته اجزا بود و هر حرکت مشهود آن، در یک مدار بسته منبع میابید. و پسانها، بیشتر به یک سیستم هدف گریز مبدل گشته بود و از همینرو، اندک درونریختگی درونی کافی بود، از هم بیاشد و نتواند به اصلاح خودش پردازد.

میپرسم و به کرات از خودم: چه همگونی بین گفتار " ادا " و آن اعلامیه وجود دارد که آنرا " داکتر روغ " همسان یکدگر بینداشته است؟ نا سازی و نا همیاری میان هردو، بسان دو سوی رود آموست که هیچگاهی، بهم نزدیک نمی گردد.

**و اما:** جناب روغ در بازنوشت اندیشه هایش، با زبان نداشتاری، رفتار سهل پذیر دارد، دگرگونه بگویم و با کمال خشوع که، با زبان نداشتاری رویکرد نگران کننده دارد و به اجزای جمله، ارزش قایل نیست. در بومی سازی اندیشه های غربیان و دقیقا در مقوله "کونتینگن" به اشکال سر دچار است. کاربرد پیشایند [ مستخرج از پیش و آینده ] اگر اشتباه نیست، به هیچ وجه معنای انطباقی و جا افتاده، برای کونتینگن هم نیست، واژه " احتمال" برابر نهاد جا افتاده آن است که تا اکنون کاربرد وسیع دارد. گاهی که بحث در شناخت و نظریه است، یک جابجایی ساده " واژه" بسیار به آسانی میتواند مغالطه و درهم آمیزی ایجاد کند. به طور نمونه از چهل و پنج اشتباه اجزایی جمله و بار معنایی، فقط در پنج صفحه، که جملات را خساره پذیر ساخته است، چند تا را می شمارم:

• **روغ:** پیشایند، چیز ها را بروی یک نا معلومی می گشاید. پرسش: واژه "چیز ها" رساننده کدام مفاهیم اند؟ چیز در مقابل نا چیر یا که معدوم را، با "ها" جمع بستن، صفت مفولی چه میتواند باشد؟

• **روغ:** یکی اینکه " کونتینژنس " ها یگانه نیستند، بلکه تا بی نهایت گونه گون اند.

پرسش: کونتینژنس [ احتمالات و یا پیشایند ها ] مگر حالت جمع " کونتینژن " [ یا احتمال ] نیست و دلالت نمی کند به تعدد و تنوع؟ بس چرا تاکید بر گوناگون؟ آیا واژه های یگانه و گوناگون، درست ترین گزیده ها اند و رسانایی مفهومی لازم را دارند و درست جا یابیده اند و اضافه نیند؟

• **روغ:** یکی اینکه " کونتینژنس " ها یگانه نیستند، بلکه تا بی نهایت گونه گون اند صاف و ساده میتوان نوشت: احتمالات تا بی نهایت میتواند گسترش یابند. همین و بس. واژه های " یگانه و گوناگون " بسان سرمه میماند بر چشمان کور.

• **روغ:** از پیشایند نمی توان " وحدت " ساخت در پرسش نمی آید که نویسنده خواسته است بگوید: با احتمال نمی توان وحدت را پیش بینی کرد. مصدر وحدت در مقابل کثرت، دست یابیدنی است و نه

ساختنی . با احتمال میتوان ، امکان دست یابی را ، پیشبینی کرد و با واژه " ساخت " نمی توان امور " وضع " را ساخت [ وحدت بالمعایله ] و اما در جنس چرا [ وحدت بالمجانسه ] را میتوان ساخت.

• قرارگیری مکرر سوالیه، نداییه، قوس ها و نکته، در نشتار به گونه ی: ؟؟ و یا ؟؟؟ و یا هم (!)، نادرست است. روغ اما، در کار برد علامات اشاره، با دست باز " یله خرچی " میکند .

• الف ممدوده در زبان عربی کاربرد دارد نه در زبان پارسی  
• عدم کاربرد حذف و قرینه سبب گشته است در یک جمله سه بار فعل از یک مصدر به تکرار آید ، که به سلامتی و نیز بار معنایی آن ، صدمه وارد کرده است.  
• کاربرد " همزه " بجای " ی " و یا " الف / ی " در آخر واژه های که با " ها غیر ملفوظ " ختم میگردد ، در سرتا سر نوشته، اضافه نمایی میکند.  
• داکتر روغ با نقطه گذاری همدم ر همسو نگشته است ، از آنست که خواننده ناشی رفتار ی بسان من را ، کلافه میکند.

• و در انجام :اینکه چگونه ماضی التزامی و ماضی نقلی باهم دگر، جا عوض میکنند و ابهام زایی میکنند، بگذریم که اطاله کلام گردد و ناپسندی ها و ناخشنودی ها را بارآورد.